



۲۰۱۹/۱۰/۱۵



سید همایونشاه عالی

از زبان این کودک:

والله که گناهِ خود ندانم من گمشده راه خود ندانم
بر لقمه نان احتیاجم از خاک به سر نموده تاجم
بنگر تو لباسِ پاره ی من کس نیست به فکر و چاره من



هرچند کنند انتخابات کس چاره نکرد اصل حاجات
یک مشت کثیف پست فطرت گویا که کند به ما حکومت
خیرات جهان به جیب برده خون دل من همیشه خورده

مخروبہ بگشت آشیانم	درد است میان استخوانم
درکشور من ندای فقرست	در کرسی نشست خائن و پست
شیطان بنموده حکمرانی	باقی همه را خودت بدانی
چون محو شده نام وجدان	وجدان شده به خلق حیران
من کودک بی پناه دردم	با آتش فقر در نبردم
ای داده خدات ناز و نعمت	در کار سخا نداری همت
این روز سیه به من نمآند	بر تو گل و نسترن نمآند
نی دولت تو به جای مآند	نی آبله ام به پای مآند
هر شام سیه سحر بیارد	هر شاخه گهی ثمر بیارد
بنگر تو به امتحان وجدان	با مال وزرت مشو خرامان

۱۰ اکتوبر ۲۰۱۹ م

هیما رکیت - ورجنیا

ایالات متحده امریکا

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

از زبان این کودک

Alemi_h_۸۶_az zabaan_in_kodak.pdf